



۲۰۱۹/۱۱/۱۲

م. عارف عباسی

صلح کجایی یادت بخیر!



ننوشتن، دیر نوشتن و کم نوشتن نماد غفلت، بی پروایی و بی تفاوتی در برابر اوضاع وطن نیست. غریق دریای حیرتم که تا حال چه ناگفته مانده تا آن را باز گو نمایم.

اول تر از کدامین درد بی درمان بنالم، و از کدام ستم ستمگران فریاد بر آرم و از کدام رنج و ظلم ظالمان یخن بدرم و داد خواهی کنم، در تصنیف اسارت ها کدام را رجحان دهم.

برای کی بنویسم و کی را باخبر سازم. کجاست داد رس و کدام است مرجع باز خواست و پرسان، می شود که خود را در صف خود پرستان جا دهم و بگویم که منم یگانه آگاه و دانای این مصائب، دیگران نمی دانند و همه بی خبر که این خود خطا نگری محض است،

«دی شیخ همی گشت دور شهر با چراغ

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست»

آن چه در بالا گفته آمد همگی تنها مربوط شخص من، خانواده و قوم و اقارب من نبوده بلکه شرح حال غم انگیز باشندگان این سرزمین است که در ظرف چهل سال با آن دست و گریبان بوده و این دایره خبیثه پیهم با فزونی آلام نو آفرین در چرخش است، حال کنونی به مراتب بدتر از دیروز سیاه، و غیبت امید برای فردای رهایی بخش و راه بیرون رفت از مدار این حلقه ملعون در دور گردن ملت افغان ستان است.

بیشتر از یک سال و چندی است که ابر قدرت یکه تاز دنیا عزم پایان بخشیدن به دراز مدت ترین جنگی نمود که خود آن را شعله ور ساخته بود، ولی واقعیت های عینی ناگزیرش کرد که راه صلح را از طریق مذاکرات سیاسی در پیش گیرد و نامش نهاد «صلح در افغانستان». تکرار گزارشات یک ساله صلح پالی تا امروز تحت قیادت آقای زلمی خلیل زاد بی موجب و ضیاع وقت خواننده است.

متعاقب یک حادثه تروریستی غیر مترقبه در امریکا (۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱) پای افغانستان بدون کدام دلیل موجه در ماجرا کشانیده شد تا در ظاهر خشم مردمش را با کوبیدن در پالان فرو نشانند. صف بیاراست و برای نابودی نظامی عزم جزم نمود که زمانی با مصلحت خودش ایجاد گردیده بود. غره با نیروی جنگنده اش نعره بر آورد که من آمده ام تا تکیه به قدرت برگشت ناپذیرم نابودی تو (طالبان) بنیاد کنم.

حقیقی در این ماجرا جویی نهفته که تا حال ناگفته مانده، توضیح آن به هیچ وجه نباید حمایت و پشتی بانی و توجیه دهشت افگنی و بربریت طالبان تلقی شود.

اسناد گواهی می دهد که سه روز قبل از تهاجم نظامی امریکا بر افغانستان ملا عبد السلام ضعیف سفیر طالبان در پاکستان توسط تلفون به زلمی خلیل زاد گفت که ملا محمد عمر تحت شرائط محدودی به تسلیمی اسامه بن لادن موافقه نموده. خلیل زاد در جواب گفت تصمیم حمله گرفته شده.

بعد از تجاوز نظامی طالبان از امریکا تقاضا کردند که آن ها اسلحه خود به زمین نهاده و حکومت را در بدل اعطای مصونیت به ایشان تسلیم می کنند که از جانب امریکا پذیرفته نشده اسرای شان به جلادان اتحاد شمال (شورای نظار و دوستم) سپرده شد.

در سال ۲۰۰۲ م طالبان خواستار مذاکرات سیاسی شدند در جواب امریکا گفت که ما با تروریست ها مذاکره نمی کنیم. که اگر سیاست واقع بینانه و مدبرانه بکار می رفت مجبوریتی به چنین زانو زدن و کرنشی وجود نمی داشت.

امریکا برای نابودی کامل طالبان ۱۵۰۰۰۰ قوت نظامی را با قوی ترین تجهیزات زمینی و هوایی در میدان نبرد سوق نمود این جنگ بدون یک موفقیت کامل برای امریکا تلفات جانی و مصارف گزاف مالی بار آورد و باعث ریختن خون صد ها هزار افغان بی گناه و ویرانی آن چه از تجاوز شوروی باقی مانده بود گردید. بعد از سال ۲۰۱۴ م موقف سیاسی امریکا در برابر مقابله با طالبان تغییر و عساکر امریکا و متحدین از ۱۵۰۰۰۰ به ۱۴۰۰۰۰ تقلیل یافته و طالبان از لیست تروریست کشیده شده زمزمه صلح پدیدار شد و ابتکار عمل به حکومت افغانستان سپرده شد، متأسفانه با وجود مصارف گزاف و دید و بازدید های متعدد بنابر تسلط علنی پاکستان بر جریان طالب از لحاظ سیاسی و نظامی اثر و خبری از صلح پیدا نشد. موجودیت تند گرایان دینی در مقامات ارشد استخبارات و اردوی پاکستان مفکوره جهاد علیه امریکا و متحدین را شعله ور ساخته و در صدد تداوم این نبرد و وارد آوردن تلفات جانی و مالی بر «کفار» بودند.

"دونالد ترمپ" از آغازین مبارزات انتخابی اش با نا آشنایی اش با سیاست های مرموز امریکا و تمایلات لوجوانه حلقات جنگ پرست بر بنیاد حفظ حیثیت و وقار گسست و این جنگ را بر معیار نفع و ضرر بیهوده و ضایعه بزرگ مالی و جانی بدون اندک ترین منفعتی به امریکا تلقی نموده ختم جنگ و خروج عساکر امریکایی را وعده سپرد. تطبیق عملی این طرح با گماشتن آقای خلیل زاد به حیث رئیس هیأت مذاکره کننده امریکا صورت گرفته و مدت بیش از یک سال از آن سپری شد.

خلیل زاد مطابق لایحه وظایف درب خروجی را برای امریکا فراخ باز نموده و آن چه مربوط آینده افغانستان و توقعات اکثریت برای تأمین یک صلح عادلانه و پایدار بود مورد توجه قرار نگرفته توافقتنامه بر بنیاد دو تضمین

ضعیف، غیر عملی و نا مطمئن طالبان صرف به حیث یک وسیله برآمدن قوای نظامی تهیه و تدوین شده آماده امضای جانبین، بدون اشتراک مستقیم نماینده افغانستان، بود که ظاهراً قتل یک سپاهی امریکا در شش درک کابل باعث فسخ مذاکرات صلح و نگذاشتن مهر تائید آخری شد. (همه از طول و تفصیل آن واقف اند).

این تصمیم امریکا مبنی بر پایان جنگ و ایجاد صلح بعد از چهل سال جنگ، خون ریزی و ویرانی و بربادی روح و رمق تازه در درخت خشکیده آرزوهای مردم دمیدن گرفت شاخه های تر و تازه و نوده های شاداب نوید بخش پدیدار شد.

دریغاً! که یک بار دیگر مردم افغانستان در دام خدعه و تزویر گیر افتاده این صلح جویی برای منظور خاصی زیر عنوان صلح افغانستان به حیث یک بازی توسط یک بازی گر ماهر سیاسی پی گیری شد. توافقتنامه دوحه در بهای خون صدها هزار افغان بیچاره، بی پناه و بی گناه افغانستان تدوین گردید که قربانی هر دو جناح جنگ بودند.

هر منطق عامیانه می گوید که اگر هدف واقعاً تأمین صلح در افغانستان بوده باشد باید بالای شرایط آتی توافق صورت می گرفت.

- اعلان بدون قید و شرط ختم جنگ (آتش بس).
- آزادی محبوسین و اسرای جانبین.
- ادغام صلح آمیز طالبان در جامعه افغانستان.
- جامه بدل نمودن طالب از یک مخالف مسلح به یک جریان سیاسی.
- آزادی مناطق متصرفه طالب و در آمدن تحت اداره حکومت مرکزی.
- انتصاب بعضی اعضای طالبان در حکومت بعد از انتخابات و فراهم آوری زمینه برای شرکت طالبان در انتخابات آینده.

• به رسمیت شناختن قانون اساسی (با تعدیلات قانونی) و احترام به حقوق مدنی تمام اتباع افغانستان، و حلف وفاداری طالبان برای صیانت از منافع ملی، تمامیت ارضی و استقلال افغانستان.

عمر مردم با امیدواری ها، توقعات و آرزومندی ها برای استقبال یک زندگی مطمئن، آرام، با امن و مصون در یکسال به انعقاد جلسات در این جا و آن جا و مداخلات بی موجب کشور های غیر مرتبط گذشت که تا حال دوام دارد و شایعات است که چین عنقریب میزبان جلسه ای خواهد بود که نمایندگان طالبان با نمایندگان حکومت افغانستان دیدار رویا رویی خواهند داشت. همه با نا قراری منتظر یک نتیجه قاطع و مثبت اند.

*** **

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

صلح کجایی یادت بخیر!

A_abassi_isolh_kogjaayy_yaadat_bakhayr.pdf